

بررسی رویکرد کنترل اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)

جواد کارخانه^۱، جواد موسیوند^۲

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده ملایر)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی

چکیده

یگانه راه رسیدن به کمال مطلوب و شکوفایی استعدادهای نهفته در نوع انسان با زندگی در اجتماع بشری ممکن است. برای ایجاد جامعه ای امن و بدور از هرگونه بی نظمی، رعایت انتظام و پذیرش چارچوبی قانونی و نهادینه شدن اصول زندگی اجتماعی برای تمامی اعضای جامعه امری ضروری می باشد. از سوی دیگر نیز تضاد منافع در بین این افراد و وجود امیال و هوس های پست در برخی اعضا، اختلافات احتمالی و برهم خوردن امنیت اجتماعی را به عنوان یک معضل مطرح می سازد. در این راستا طرح دیدگاه های متفکران صاحب نظر در این عرصه کمک شایانی در ساخت جامعه ای امن را ممکن می سازد. بازشناسی اندیشه اجتماعی امام علی (ع) به عنوان امام شیعیان از یکسو و به عنوان شخصیتی حکومتی که با لقب خلیفه مسلمین برای چندین سال اداره جامعه مسلمین را برعهده داشته است از سوی دیگر دارای اهمیت می باشد؛ که با طرح دیدگاه هایی درباره مفهوم عدالت، نقش تعلیم و تربیت، توجه به امر به معروف و نهی از منکر، تاکید بر پرورش مکارم اخلاق و مبارزه بی امان با رذایل اخلاقی و توجه به نقش دولت و نهادهای اجتماعی در ایجاد محیطی امن و در نهایت اهتمام همه جانبه به مسائل اقتصادی، سعی در ساخت نظامی اجتماعی منطبق با اصول اجتماعی داشته است. پژوهش حاضر تلاشی در تبیین مفهوم کنترل اجتماعی و ذکر بعضی از ویژگی های آن از دیدگاه امام علی (ع) دارد.

واژه های کلیدی: امام علی علیه السلام، کنترل اجتماعی، تعلیم و تربیت، نظارت اجتماعی، عدالت.

مقدمه

هرچند آغاز سخن در ارتباط با علم اجتماع در شکل نوینش و بحث از یک نظام منسجم، معقول و حکیمانه در برخورد با ناهنجاری های اجتماعی به منتسکیو و روح القوانینش و بکاریا و جزوه جرایم و مجازات های او باز می گردد (حسینی، ۱۳۸۳/۲۲) اما بدون هیچ اغراقی در جهان اسلام ما با اندیشمندانی سرو کار داریم که با ژرفای فکریشان بسیار پیشتر از متفکران غربی به اهمیت و لزوم وجود نظام کیفری و نظارت اجتماعی پی برده اند. در قرون اولیه که نهال دین اسلام در حال بالیدن بود و آنچنان که باید مدنیت اسلامی و مفاهیم اجتماعی آنگونه شایسته بود به بلوغ نرسیده بود حضرت علی (ع) در مقام اندیشمندی اصلاح گر و همچنین به عنوان خلیفه مسلمین به چرایی و چگونگی کنترل و نظارت در اجتماع اشاره کرده است.

امروزه شیوهایی که برای مبارزه با کج روی ها مورد استفاده قرار می گیرد را باید به دو دیدگاه پیشگیری از ارتکاب کج روی و مجازات مجرمان تقسیم کرد. دیدگاهی به لحاظ زمانی متقدم است که بر قدرت مطلقه دولت در نظارت اجتماعی تمرکز کرده است و تنها مرجع رسیدگی به جرم و مجازات را دولت و هیئت حاکمه می داند. در دومین دیدگاه که اکنون بیشترین طرفدار را در حوزه کنترل اجتماعی دارد نه تنها دولت را یکی از بازیگران در این عرصه می داند، به نقش خانواده ها، نهاد های واسطه ای صحنه گذاشته و بر پیشگیری از کجروی و تعلیم و تربیت افراد جامعه و ارائه راه حل های غیر کیفری تاکید بیشتری دارند (حسینی ۱۳۸۳/۲۷) که نظرات حضرت علی (ع) نیز در ارائه راه و روش های کنترل اجتماعی به دیدگاه دوم که متکامل تر به نظر می رسد نزدیکتر است. حضرت علی (ع) به نقش پیشگیری از آسیب های اجتماعی پیش از درمان تاکید دارد از این رو می توان توصیه هایی که برای کنترل اجتماعی یک جامعه عرضه می کند را به دو دسته تقسیم کرد: اقدامات پیشگیرانه از وقوع کج روی و در بخش دوم مجازات مجرمان.

درحالی که پیشگیری از جرم در معنای خاص، مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری با هدف مقابله با بزهکاری از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم زا و نیز اثرگذاری بفرصتهای پیش جنایی است، به گونه های که بتوان با استفاده از ابتکارات و ساز و کارهای غیر قهرآمیز بر شخصیت افراد و وضعیت پیش از ارتکاب جرم اثر گذاشت تا از وقوع بزه جلوگیری شود (صالحی ۱۳۹۰/۱۳) حضرت امیر راهکارهایی اسلامی را برای رسیدن به نظام مطلوب اجتماعی را پیش از هرگونه فساد اجتماعی و ابتلاء اجتماع به ناهنجار ها ویرانگر مطرح می سازد. به همین خاطر قبل از هر چیزی، به عوامل به وجود آورنده جرم توجه کرده و برای مقابله با آن راهکارهایی را که در وجود انسان نهادینه می شوند را ارائه کرده است. حضرت علی (ع) برای جامعه دو وجه در نظر می گیرد اول وجه حاکم است که بر مردم حکومت می کند و دوم رعیت و توده مردم هستند که خانواده، طبقات اجتماعی، اصناف و ... جز این دسته قرار می گیرند. حضرت علی (ع) برای اینکه جامعه به سمت عدالت پیش رود و ارتکاب جرم و فساد در جامعه به حداقل برسد وظایفی را برای هر دو وجه جامعه بیان می کند.

لزوم کنترل اجتماعی

همانگونه که افراد یک خانواده کاملا شبیه هم نیستند و همه انگشتان یک دست تضاد هایی با هم دارند؛ افراد یک جامعه هم از جنبه های مختلف با هم اختلافاتی دارند. این انگیزش ها، کشش ها، گرایشات و تمایلاتی است که ممکن است افراد را به انجام افعالی برخلاف آداب و سنت و هنجارهای متداول یک جامعه ترغیب نماید به همین خاطر در قرآن، انسان را به عنوان طغیانگر و زیانکار مورد خطاب قرار داده است و یادآور شده است که تمایلات نفسانی انسان را به گمراهی و تباهی وا می دارد. (حیدر کوشا، ۱۳۸۹/۷۰) آن حضرت از نفس به عنوان یکی از عوامل موءثر در گرایش انسان به بدی ها یاد کرده است. (شریف رضی، ۱۳۷۹/۵۳) و در جای دیگر می فرماید: به درستی که نفس از خودداری از نافرمانی بسی دور است و پیوسته صاحب خود را در آرزوی باطل به سوی نافرمانی می کشاند (همان؛ خطبه ۱۷۶) با توجه به این فرمایشات می توان گفت که

نفس انسان به سوی باطل و بدی دارای گرایش فطری و ذاتی است اگر حال کار ساز و کاری برای کنترل این نفس نباشد و هر کدام از افراد جامعه بخواهند باب میل خویش به خواهش نفسانی پاسخ گویند زندگی در جامعه ناممکن و ملال آور می شود. اینجاست که به ناچار باید اعتراف کرد نه تنها بقای جامعه مبین ضرورت وجود حقوق و قوانین کیفری می باشد، بلکه گویای این حقیقت است با ادامه چنین وضعی مسیر اجتماع از حالت اعتدال خود خارج شده و به مسیر هلاکت و ورطه نابودی کشیده می شود و به ناچار لزوم دستگاه حقوقی و کنترل اجتماعی در جامعه اهمیت پیدا می کند. (علیزاده، ۱۳۸۴/۱۱۹) از این رو حضرت امیر به سازو کاری اشاره می کنند تا بر اسب چموش نفس عنانی زنده و از نیروی آن برای راهبری مرکب فطرت انسانی به سوی کمال بهره گیرند.

تعریف کنترل اجتماعی

در تعریف کنترل اجتماعی تعاریف متشابه ای ارائه نموده اند. برخی کنترل اجتماعی را چنین مطرح نموده اند: کنترل اجتماعی یکی از مهم ترین و متداول ترین مباحث جامعه شناسی است که درباره ابزارهای مختلفی که جامعه برای سر عقل آوردن اعضای عصیانگر خود به کار می گیرد، بحث می کند

تالکوت پارسونز نظارت اجتماعی را به عنوان تحلیل فرایندهایی تعریف می نماید که میل به خنثی کردن تمایلات کج روانه دارند و این شکل کنترل اجتماعی وجه ترمیمی نظام اجتماعی به حساب می آید؛ برای کج روی های اجتماعی نیز تعریف های متفاوتی بیان شده است:

- رفتار منع شده یا مشمول اهرم های کنترل اجتماعی؛

- رفتار شکننده هنجار یا رفتاری که قواعد، برداشتها یا توقعات، هنجاری نظام های اجتماعی را نقض می کند.

- رفتار ناهمنوا با هنجارهای اجتماعی

- منطبق نبودن با هنجارها، ارزش ها، الگوها موجود جامعه، مخالفت با روش های مرسوم جامعه. (سلیمی و داوری ۱۳۸۵/۵۴)

حضرت علی (ع) کج روی اجتماعی را امری می داند که سلامت جامعه را به خطر بیندازد. در اندیشه آن حضرت قوانین و اصولی که در دین مبین اسلام ارائه شده است همه برای ایجاد محیطی امن و مطلوب است که تمامی شرایط رشد و بلوغ افراد جامعه را فراهم می نماید و راه رستگاری و پیشرفت را مسطح می سازد. از این روی هرگونه بی توجهی به اصول اسلامی در عین حال که گناهی مرتکب شده و به لحاظ فردی مستوجب عقاب اخروی است در فضای اجتماعی نیز بی نظمی را موجب گشته است و خدشه ای به سیمای جامعه وارد آورده است نیز سزاوار عذاب دنیوی نیز می باشد. از این روی آن حضرت کجروی را از دو منظر نافرمانی امر الهی و دست انداز جاده کمال اجتماعی می داند و در این زمینه می فرماید «لو لم يتوعد الله على معصيته لكان يجب ان لا يعصى شكرا لنعمة»

اگر حتی خداوند، بندگانش را از نافرمانی کردن و گناه ورزیدن نترسانیده بود، باز هم واجب بود که انسان، مرتکب هیچ گناهی نشود، تا به این وسیله، در برابر نعمتهای او سپاسگزاری کرده باشد.

کلیدی ترین مفهوم در دیدگاه حضرت امیر برای تبیین کنترل اجتماعی، مفهوم عدالت است. بعد از اصول اسلامی که ریشه های اندیشه آن حضرت را می سازد ساقه درخت تفکرات اجتماعی آن حضرت را عدالت می سازد و دیگر موضوعات چون تعلیم و تربیت و امر به معروف، اقتصاد، خانواده و... شاخه هایی بر ساقه عدالت متصور است. در واقع تمامی فضایل اخلاقی در مقایسه با عدالت موضوعاتی فرعی هستند. عدالت در مقام معنی قرار گرفتن همه چیز در جای خود و رسیدن همه کس براساس شایستگی به حقشان است. آن حضرت در اهمیت عدل می فرماید «عدل قوی ترین و اساس و بنیان هستی و زندگی

است و معتقد است قوام شیرازه جوامع بشری را عدل تشکیل می دهد و صلاح عموم مردم را در عدل می داند.» (وفادار، ۱۳۸۲/۲۹۳) اعتدال جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط است و عدل هدایت به سبیل صراط مستقیم است راهی که کوتاه ترین زمان و مسافت را برای رسیدن به کمال بشری را میسر می سازد و اعتدال را مهمترین عامل رسیدن به سعادت ابدی و کمال سرمدی می داند و کج روی اجتماعی را همان زاویه پیدا کردن بر این صراط و ناهنجاری اجتماعی را همان ناتوانی در گام نهادن در راه سعادت به چاه ذلالت می داند، امری که بشریت را در چنگال رهنمان نفسانی قرار می دهد. ایشان عدالت را در برابر ظلم و جور قرار می دهد و عدل را مبارزه بی امان با ظالمان و ستمگران می داند و آن را نسخه ای برای بیماری های اجتماعی و دواپی برای ناهنجاری های اجتماعی می داند. از این رو کنترل اجتماعی را ذیل مفهوم عدالت قرار می دهد و معتقد است که کنترل اجتماعی و دستگاه قضایی در واقع راهی برای رسیدن جامعه به تعادل و قرار گرفتن در مسیر پیشرفت از طریق قرار دادن همه چیز در جای خود و ممانعت از تجاوز بزهکاران از محدوده خود است و دستگاه قضایی را چون ابزاری می داند تا کسانی که از حد خود تجاوز کرده اند و به افراط و تفریط کشیده شده اند را تنبیه نماید و حقوق ضایع شده مظلومین و بزه دیده را از بزهکار بستاند و با این کار مساوات و عدالت را به اجرا درآورد.

جامعه پذیری

جامعه پذیری نوعی جریان کنش متقابل جامعه است که در خلال آن فرد، هنجارها، ارزش ها و دیگر عناصر اجتماعی و فرهنگی موجود در هرگروه یا محیط اجتماعی پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می سازد. از طریق آن مردم شخصیت خود را بدست می آورند و شیوه زندگی جامعه خود را می آموزند. جامعه پذیری نقطه اتصال ضروری بین فرد و جامعه است؛ نقطه اتصالی که بسیار حیاتی است و خود جامعه بدون آن نمی تواند ادامه حیات یابد. (محسنی، ۱۳۸۷/۱۲۴) جامعه پذیری فرد را به آموختن هنجارها، عقاید، آداب و رسوم، ارزش ها، زبان ها و مهارت هایی که برای زندگی اجتماعی ضروری است قادر می سازد.

جامعه پذیری معمولاً بر اساس دو مکانیسم اصلی یادگیری و درونی کردن دیگری است. در عنصر یادگیری فرد یاد می گیرد که عادات، ارزش ها، اصول و عقاید یک جامعه را رعایت نماید و در درونی کردن دیگری فرد یک وفاق و یگانگی با جامعه پیدا می کند. ثمره جامعه پذیری آن است که فرد یک شخصیت بهنجار پیدا کرده و وظایف خود را مطابق با انتظاراتی که از او می رود ایفاء کند. اگر این جامعه پذیری به دلایلی چون نقص آموزش و پرورش، عدم کارایی خانواده و محدودیت و ناتوانی فرد ناقص انجام گیرد پیامدهایی چون ناهمسازی، کشمکش و نزاع بین افراد جامعه در پی خواهد داشت، امری که نظم و تعادل جامعه را بر هم خواهد زد. (سلیمی، ۱۳۸۵/۱۴۳) جامعه پذیری عمدتاً در خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه ها انجام می گیرد. در زیر جامعه پذیری را از دیدگاه حضرت امیر مورد بررسی قرار می دهیم.

نقش خانواده در کنترل اجتماعی

خانواده به عنوان رکن بنیادین جامعه نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری کودکان دارد. کودک حیاتی ترین دوران رشد خود را در درون خانواده آغاز و سپری می کند و در تمام این دوران عمیقاً تحت تاثیر شرایط مطلوب یا نامطلوب خانواده است. چنانچه خانواده ها نقش تربیتی خود را به درستی انجام دهند به مقدار بسیار زیادی از کجروی های اجتماعی کاسته می شود و ما شاهد جامعه ای آرام و بهنجار خواهیم بود. (مهدوی، ۱۳۹۰/۳۹۶) حضرت امیر به نقش خانواده ها در تربیت کودکان بسیار توجه داشته است و معتقد که برای اینکه جامعه ای ایده آل داشته باشیم در همان ابتدا باید تربیتی درست از کودکان داشته باشند و معتقد است که آشنا سازی افراد با قوانین و هنجار های اجتماعی باید از همان سنین اولیه کودکی و در درون خانواده انجام پذیرد و والدین را مسئول مستقیم در تربیت صحیح دانسته است. از ویژگی های منحصر به فردی

که برای انسان ذکر می کنند، توان تغییر و تحول در رفتار، عادات و اخلاق است و معتقد است میل دادن کودکان برای اکتساب صفات و مکارم اخلاقی که نهایتاً منجر به جامعه پذیری کودک می شود، باید در درون خانواده نهادینه شود. از آن جایی که والدین نقش بسیار مهمی در اثرگذاری کودک دارند، حضرت تربیت کودکان را پیش از ازدواج و با انتخاب همسری مناسب آغاز می کند. مادر خانواده که رکن دیگر خانواده است همانند پدر نقش عمده ای در تربیت فرزندان دارد، علاوه بر اینکه از عوامل تاثیرگذار وراثتی به حساب می آید از حیث تاثیر محیطی نیز نقش تعیین کننده ای دارد زیرا درتأمین فضای عاطفی و ایجاد محیط امن و آرام برای فرزندان موثر است و از این مهمتر نقش بسیار تعیین کننده او از هنگام انعقاد نطفه تا رسیدن به سن آموزش است که در مقایسه با نقش پدر در این مقطع بسیار با اهمیت تر است. (حسین خانی، ۱۳۸۹/۳۰)

در دوران جنینی مادر مستقیم ترین نقش را دارا است و پس از او نیز به خصوص در سالهای اولیه نقش مادر برجسته تر است و این تاثیر به ویژه در دو سال شیرخوارگی به اوج می رسد چرا که شیر مادر به عنوان مهمترین منبع تغذیه کودک، علاوه بر تاثیر اساسی در تأمین سلامتی کودک می تواند در شکل گیری روانی و اخلاقی او نیز موثر باشد از این رو در سیره تربیتی معصومین علیهم السلام به خصوص امام علی (ع) در نقش و اهمیت شیر مادر و نیز انتخاب دایه شایسته بسیار تأکید شده است. علی (ع) فرموده است: «انظروا من ترضع اولادکم فان الولد یشبُ علیه» نگاه کنید کدام زن به فرزند شما شیر می دهد، زیرا فرزند بر آن رشد می کند در سخن دیگری فرمودند: از زنان کودن و نادان طلب شیر برای فرزندانان ننمایید زیرا شیر بر سرنوشت غلبه می کند.

در اسلام نیز ضمن تأکید بر تعقل زن؛ از ازدواج با زنان کودن به دلیل رنج آور بودن معاشرت با ایشان و نیز ناتوانی آنان در تربیت صحیح فرزند منع شده است (همان، ۱۳۸۹/۲۶) امروزه تحقیقات علمی نیز نشان می دهد که داشتن مادران دارای ناتوانی تفکری و عقلی بر رشد ادراکی و عصبی کودک از جمله نواقص توجهی و هوشی در طی دوران جنینی اثر دارد. چنین کودکانی زودتر عصبانی می شوند، سریعتر دچار کلافگی ذهنی شده و رفتار پرخاشگرانه از خود بروز می دهند. (مهدوی، ۱۳۹۰/۱۳۶)

عدم برخورداری از سلامت روانی دریچه ای به سوی تمام مخاطرات فردی و اجتماعی را به سوی انسان می گشاید و از همین رو است که حضرت بر رشد کامل و هماهنگ شخصیت و پرورش در محیطی آکنده از خوشبختی، محبت و تفاهم تأکید دارد و به حق کودک در برخورداری از امکانات آموزشی و تربیتی که بتواند رشد شخصیت، استعداد ها، تواناییهای جسمی و ذهنی کودک را تا آنجا که ممکن است فراهم کند، توجه دارد. کودکانی که فاقد چنین کانون گرم خانواده ای بوده اند زمینه بزهکاری بیشتری خواهند داشت.

آن حضرت به شاخص سن در تربیت نیز توجه داشته است و بر وجود رابطه مستقیم بین سن تربیت پذیری تأکید می کند و در وصیت خویش به امام حسن می فرماید: «همانا دل جوان مانند زمین کشت نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده می شود. پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گرد». (فولادی، ۱۳۸۶/۱۲۸)

حضرت در مسیر جامعه پذیری افراد بر کرامت انسانی توجه ویژه ای داشته است و از آن به عنوان یکی از روش های کنترل اجتماعی یاد می کند. یکی از صفاتی که باعث حفظ کرامت انسانی و ممانعت از هرگونه دست درازی و تجاوز به حقوق دیگران و درواقع انجام عملی نابهنجار جامعه می شود قناعت است. امام قناعت را استفاده بهینه از امکانات زندگی و اجتناب از زیاده روی در هزینه ها و مصارف و رضایت به نعمت های الهی است، اگر چه اندک باشد و در این زمینه می فرماید کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد به آسایش دست یابد و آسوده خاطر گردد در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری و

مرکب رنج و گرفتاری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم فرمودند: خوشا بحال آنکه با اسلام هدایت شود و معیشت او به حد کفاف باشد و قناعت کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: آن که خردورزی کند، قناعت پیشه می‌کند ایشان در جای دیگر می‌فرماید که قناعت راس بی‌نیازی است. رعایت این خصیصه در انسان سبب می‌شود تا فرد از هرگونه چشم‌داشتی به حقوق دیگران احتراز نماید و از عمل به هرگونه جرم اجتناب نماید و نهادینه شدن چنین صفتی در افراد جامعه نه تنها در زندگی فردی آرامش و آسودگی خاطر را به ارمغان می‌آورد بلکه امنیت جامعه را تضمین می‌نماید. (کلانتری، ۳۱ و ۱۳۹۱/۳۲) حضرت امیر معتقد است که نوع انسان اشرف مخلوقات و دارای کرامت و حرمت ذاتی می‌باشد که بر دو ستون عقل و اختیار استوار است و معتقد است که انسان باید با یاری گرفتن از این دو بال در جهت کمال و سعادت خود استفاده نماید. کرامت انسان باعث خودکنترلی می‌شود و مانعی می‌شود که فرد دست به اعمالی بزند که نهایتاً نکوهش افراد جامعه را در پی خواهد داشت. (فولادی، ۱۳۸۶/۱۲۴)

از این رو حضرت علاوه بر قناعت همواره به صفاتی اشاره می‌کند که با گذر زمان و در کانون خانواده و اجتماع شکل می‌گیرند و سبب کرامت انسانی می‌شود از این رو به درونی کردن چنین صفات جمیله در کودکان اصرار دارد. در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

شجاعت

صفتی است که امام علی در فرآیند اجتماعی شدن در افراد به آن توجه داشته است و تعریفی که ایشان از شجاعت می‌کند این است که انسان همواره اختیار دار اعمال و رفتار خود باشد و اجازه غلبه امیال و خواهش‌های نفسانی را ندهد «اقوی الناس من قوی علی غضبه بحلمه»، شجاع‌ترین مردم کسی است که بتواند بوسیله حلم و بردباری خشم خود را مهار سازد.

فرد در فراز و فرودهایی که برای افراد در مسیر زندگی پیش می‌آید، بر سکان زندگی خود مسلط باشد و توانایی عبور از مشکلات را داشته باشد، اعتماد به نفس این باور را در افراد بوجود می‌آورد که توانایی حل مشکلات زندگی خود را دارد و در صورت بروز ناملایمات زندگی امکان گذر از چالش‌ها را در خود می‌بیند. ضعف اعتماد به نفس یکی از عوامل مهم گرایش فرد به رفتارهای در معرض خطر است. چنانچه کودک و نوجوان در هنگام مشکلات توانایی لازم را نیابد، زمینه گرایش به انحراف و روی آوردن به طریق منفی برای عبور از مشکلات در وی بوجود می‌آید. ضعف ثبات و اعتماد به نفس، قدرت تصمیم‌گیری را از کودک می‌گیرد، مانع تلاش برای رسیدن به موفقیت می‌شود و همچنین مقاومت کودکان را در برابر درخواست‌های نابهنجار افزایش داده و وی را در مسیر انحراف و کجروی قرار می‌دهد. فرد این استعداد و توانایی را در خود تقویت کند که در هنگام ترس، خشم، غم و اندوه بتواند آرامش خود را حفظ نماید و تصمیم دقیق و حساب شده بگیرد. واضح است چنانچه افرادی فاقد این توانای باشند واکنش‌های تکانه‌ای، انفجاری و عکس‌العمل احساسی و فیزیکی از خود بروز می‌دهند و سبب کجروی‌های اجتماعی می‌شوند.

زهد

یکی از شیوه‌های کنترل درونی که قابلیت ویژه‌ای در دوری جستن از کجروی‌های اجتماعی دارد زهد است. نیروی قوی در بطن صفتی اخلاقی سدی پولادین را در برابر هرگونه زیاده‌خواهی نفس ایجاد می‌کند و انضباط اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. زهد در نظر امام همانند لشگری در برابر نیروی شیطانی صف‌آرایی می‌کند و باعث اجتناب از گناه و محرمات می‌گردد و در این زمینه می‌فرمایند: زهد یعنی کوتاه کردن آرزو و شکر‌گزاری نعمات و پرهیز از محرمات است. (سید رضی، خ ۱۳۷۹/۸۱)

حکمت

حضرت از داشتن علم و دانستن حقایق عالم به حکمت تعبیر میکند و به افراد توصیه می کند که تا می توانند در کسب علم و معرفت و به کار بستن این دانش ها در مسیر زندگی تلاش نمایند. حکمت علمی است که می توان با آن هم در حیطه اندیشه و هم در حیطه عمل به واقع و حق نائل شد. طبق این روش قرار دادن انسان در مسیری که در آن حکمت و بصیرت یابد به منزله شیوه ای برای تربیت عقلانی است. در واقع با این روش مرتبی را در معرض علم و حکمت قرار می دهد و با حصول حکمت، عقل فربه می شود و بنیه ای استوار می یابد و شکوفایی عقل در فراهم آوردن چنین بنیه ای است. حضرت علی (ع) به امام حسن می فرماید: دلت را به نور حکمت روشن نما. پرورش نیروی تفکر و تعقل افراد جهت تشخیص خیر حقیقی در انتخاب بهترین تصمیم در چارچوب نظام اجتماعی ضروری به نظر می رسد. چنانکه رفتار فرد در جامعه به کنش های اجتماعی تا حد زیادی به آگاهی هایی که کسب کرده است، بستگی دارد. فرد با آگاهی داشتن از مجازات و عواقب کجروی اجتماعی، به هنجارهای اجتماعی بیشتر توجه می کند و خود را ملزم به رعایت آنان می کند. (محمدی، ۱۳۷۵/۵۸)

نفس تعلیم و تربیت در کنترل اجتماعی

امروزه همگان بر نقش بی بدیل تعلیم و تربیت در فرآیند جامعه پذیری و همچنین کنترل و نظارت اجتماعی تاکید دارند. حضرت علی (ع) دارای بیشترین توصیه های تربیتی در همه جهات و برای همه ادوار زندگی می باشد و در این زمینه می فرماید «ان بذوی العقول من الحاجه الی الادب کما یطعم الزرع الی المطر». همانا نیازی که صاحب عقل به تربیت و ادب کردن دارند مانند عطش شدیدی است که کشت و زرع به آب باران دارد. همواره بین دو نیروی نفس و عقل درگیری و نزاع جهت صدور فعل متناسب با خواست و مقتضای خود وجود دارد. تعلیم و تربیت از نظر آن حضرت با این هدف است که قوه عقلانی انسان تقویت شود تا در سایه قدرت و سلطه این قوه بر دیگر امیال، برغرایض حیوانی و نفسانی که در وجود انسان است، لگام زده و در حیطه قوه عقلانی قرار دهد و از نیروی غرایز در جهت پیشرفت و کمال بشر بهره جوید. (کامیاب زاده، ۱۳۸۰/۱۱) و معتقد است قدرتمندی قوه عقلانی ضعف قوه حیوانی را در پی داشته و این امر سبب می شود که افراد در پاسخگویی امیال نفسانی به راحتی تسلیم نشوند و رفتاری مطابق هنجارهای اجتماعی داشته و از کجروی های اجتماعی پرهیز کنند و در واقع کجروی های اجتماعی از این منظر به تن دادن به خواسته های نفسانی تعبیر می کند و در این زمینه می فرماید «یا ایها الناس تلو من انکم تادیبها و اعدلو ابها عن ضراوه عاداتها». ای مردم خودتان عهده دار تربیت نفس خویش شوید و نفس را از کشیده شدن به طرف هوس ها و عادات ناروا باز دارید. در واقع تعلیم و تربیت باید زمینه را برای دریافت الطاف الهی آماده نماید و انسان را از بیماری های روحی و روانی گناه و نفس دور سازد. (عطاران ۱۳۶۵/۲۰۷) و در این زمینه نقش خانواده ها را بسیار پررنگ می داند و می فرماید «ما نحل ولد ولدا نحلا افضل من ادب حسن».

هیچ بخشی از جانب پدر به فرزندش برتر از ادب و تربیت نیکو نمی باشد.

زمان آغاز تربیت در فرزندان را بعد از زمان شیردهی می داند. او همچنین به انتخاب معلم عاقل و دیندار در جهت آشناسازی کودکان با آداب و رسوم و فرایض دینی لازم می شمرد. در مرحله تعلیم که خاص اوایل کودکی است، فرزندان را باید با روش هایی چون عادت دادن، ترغیب نمودن، تشویق و تنبیه کردن، مجالست با افراد صالح و ... با هنجارهای اجتماعی آگاه سازند. امام در این زمان به کسب عادات پسندیده و دور نگاه داشتن کودکان را از کسب عادات منفی، بسیار مهم می داند. در مرحله تعلیم، کودکان را با رفتارهایی که مطابق دستورات دینی است آگاه می سازند تا افعالی که در آینده از کودکان بروز می کند رنگ و بوی الهی داشته و از انجام هرگونه اعمال گناهی که تعادل اجتماعی را به خطر می اندازد اجتناب نماید. در مرحله تفهیم که مبتنی بر آن است مرتبی دو مرحله پیشین را گذرانده باشد، در این مرحله افراد باید به پرورش فهم و استدلال بپردازند و به مرحله خود کنترلی و خود تنبیهی می رسند. در این مرحله افراد با تقویت نیروی عقلانی خود، به خود تنبیهی و خود تادیبی روی می آورند و افراد در مسیر خود سازی با ریاضت دادن نفس به خوار شمردن کجروی های

اجتماعی روی می آورند. (رهنما، ۱۳۷۸/۲۱۰) جامعه ای که اعضای آن را افرادی تشکیل می دهد که دارای چنین تربیت اجتماعی باشند بدون شک جامعه ای آرام و بدور از هرگونه بی نظمی و هرج و مرجی را پدید می آورد که میوه آن آرامش و سلامت روانی جامعه است. این امر شرایطی را ایجاد می کند که جامعه در مسیر اعتدال و پیشرفت گام نهد و به بالا ترین مرتبه کمال و سعادت برسد.

تاثیر مسائل اقتصادی در کنترل اجتماعی

امام علی (ع) وقتی که شنید عاصم بن زیاد از زندگی دنیوی کناره گرفته است وی را خواسته و با چهره برافروخته او را مورد عتاب قرار می دهد و کناره گیری از زندگی دنیوی و عدم فعالیت های معیشتی را مخالفت از دستورات خداوند بیان می کند می فرماید: به خدا قسم که آشکار کردن نعمت های خداوند با عمل نزد او محبوب تر از باز گویی آنها با زبان است. شغل و داشتن حرفه علاوه بر اینکه یک تکلیف است یک امر مقدس و محبوب خداست، شبیه به جهاد است. «ان الله یحب المومن المحترف» خداوند مومن صاحب حرفه را دوست می دارد. در جای دیگر می فرماید «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» آن کس که برای اداره عائله خود، خویشترن را به رنج می افکند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند.

امیر المومنین علی (ع) خود نیز قول و عمل را با هم به کار می برد حتی در ایام خلافتش زمین شخم می زد و چاه حفر می کرد. ایشان در مدینه ده ها حلقه چاه حفر نمود. امام علی به همه نشان می دهد که چگونه جامعه آرمانی و مطلوبی را بسازیم. ایشان هزار بنده را با دسترنج خویش آزاد نمود. ایشان می فرمایند: «الداعی بال عمل کالرامی بلاوتر» آنکه دیگران را به کاری می خواند و خود به آن عمل نمی کند مانند تیراندازی است که تیر از کمان بی زه اندازد؛ و در جایی دیگر به منظور اینکه هیچگاه از انجام فعالیت های اقتصادی نباید دست کشید می فرماید: هر کاری را که انجام می دهی مانند کسی باش که کاری را انجام نداده است.

علاوه بر مسائل تربیت خانواده، حضرت به مسائل اقتصادی و تاثیر آن بر روند جامعه پذیری افراد توجه داشته است. (محمدی، ۱۳۷۹/۸۹) آثار شدید و غیر قابل انکار فقر خانواده بر جامعه پذیری کودکان سبب شده است تا امروزه توجه ویژه ای به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده شود. تحقیقات علمی نشان می دهد که کودکانی که در خانواده های تحت فشار زندگی کرده اند و کمتر تحت مراقبت، تشویق و رفتارهای عاطفی قرار می گیرند، احتمال بروز رفتارهای آزار دهنده و خشونت آمیز در آنان به نسبت بیشتر است. همچنین فشار مزمن فقر به احساس درماندگی و عدم کفایت برای غلبه بر مشکلات در والدین، بر میزان اعتماد به نفس کودکان نیز اثر گذاشته و به مقدار چشمگیری آن را کاهش می دهد. (مهدوی، ۱۳۹۰/۴۰۲) توانایی مالی این امکان را در اختیار خانواده ها قرار می دهد که تربیتی مناسبی از فرزندان به عمل آورند، مربیان مجرب بکار بگیرند و نیز با برطرف ساختن نیاز های اساسی کودکان و نوجوانان از تمایلات آنان برای ارتکاب رفتار های پر خطر بکاهند، همچنین از بهداشت روانی بالایی برخوردار باشند. اقتصاد مناسب خانواده فرصتی را ایجاد می کند که فرزندان در مقاطع بالاتری ادامه تحصیل نمایند و به طبع آن از شعور و درک بالایی برخوردار شوند، امری که امروزه در کنترل اجتماعی بر آن تاکید می کنند.

امروزه توجه به مسائل اقتصادی و تلاش برای مبارزه با فقر و بیکاری را به عنوان عاملی در کاهش آسیب های اجتماعی نام می برند. چنانکه در حدیثی مشهور داریم که «کاد الفقرا ن یكون کفرا» چه زود است که فقر کفر آفرین می شود. بیکاران نه تنها از داشتن درآمد و استقلال مالی محروم هستند بلکه عاملی در ترغیب فرد بیکار به ناهنجاری هایی چون فحشا و بزهکاری می شود. بیکاران معمولا دارای تعرضات درونی هستند و این تعرضات را به جامعه منتقل می کنند، روابط خانوادگی سستی دارند و ممکن است اقدام به خود کشی کنند... امری که حضرت امیر نیز به آن توجه داشته است و بر آن تاکید می کند که همه افراد در جامعه می بایست فن و حرفه ای داشته باشند و پدر را مدیر معاش خانواده و هماهنگ

کننده و هدایت کننده به مسیر پیشرفت و بالا بردن سطح رفاه خانواده می داند. امام معتقد است که آشناسازی کودکان به حرفه های مختلف باید در زمان کودکی انجام گیرد تا زمانی که در مرحله تشکیل خانواده قرار می گیرد در شغل خود بسیار ماهر باشد و بتواند معاش خانواده خود را به تنهایی تامین نماید و استقلال مالی داشته باشد.

حضرت معتقد است چون افراد جامعه برای رسیدن به کمال به هم محتاج هستند و رسیدن به نهایت کمال برای انسان به صورت فردی محال است به همین خاطر به الفتی بین قلوب اشخاص محتاج می شود که آنها را چون اعضای یک بدن متحد، منسجم و یکپارچه سازد و بین آنها محبت اجتماعی برقرار می کند. محبت موجب برقراری روابط سالم و احترام متقابل به یکدیگر می شود و فایده آن پاسداری از نظام نوع انسان است، محبت با پیوند دادن اشخاص به یکدیگر، آنان را از تفرقه و تکرر به اتحاد و وحدت نزدیک می کند و از آن نظر که عامل قوام و دوام اجتماعات و در کل باعث تسهیل کمال انسان می گردد، مورد توجه قرار داده است. با گسترش محبت اجتماعی در بین تمامی افراد جامعه، تمام اعضا به این حس مشترک میرسند که همه اعضای یک خانواده هستند و به ندرت پیش می آید کسی به حقوق برادر، خواهر و یا والدین خود تجاوز نماید و حتی در برطرف کردن نیازهای همدیگر ایثار می کنند. در چنین جامعه ای کمتر نیاز به نیروی برای کنترل و کیفر دهی است. تحقیقات انجام گرفته نشان می دهد که میزان جرایم رخ داده در جوامعی که ارتباط و پیوند عاطفی مستحکم تری دارند در مقایسه با جوامع بزرگی که فاقد چنین ارتباط روانی هستند، بسیار کمتر بوده است؛ اما حضرت راه استحکام محبت اجتماعی را در صله رحم، برگزاری مراسم های دسته جمعی چون جشن های ملی و مذهبی، و همچنین به برگزاری فرایض مذهبی به صورت جمعی همچون برگزاری نمازهای پنجگانه، نماز جمعه، نماز های عید فطر و قربان تاکید می کند امری که سبب جمع شدن افراد در یک مکان و سبب انس گرفتن افراد با هم می شود.

زندگی جمعی سبب اثرگذاری افراد بر همدیگر می شود و از آنجا که ذات انسان به گونه ای است که در تعامل و همنشینی با دیگران از آنان تاثیر می پذیرد، برگزیدن همنشینان و دوستان صالح نقش سرنوشت سازی در زندگی فرد ایفا می کند. در اسلام و احادیث ائمه نیز بر لزوم داشتن دوستان و همنشینان نیک و خیر تاکید شده است. حضرت امیر، همنشین نیک را نعمت و همنشین بد را عذاب دانسته است، همچنانکه نسیمی که بر خوشبویی می گذرد، بویی خوش را با خود همراه می آورد، مصاحبت با نیکان را عاملی در تحصیل نیکی دانسته است. تحقیقات علمی نیز نشان می دهد که یکی از عوامل انحطاط و کجروی های اجتماعی در میان نوجوانان و جوانان، داشتن دوستان ناباب و خلافکار بوده است که نمود آن را در این بیت شعر می توان یافت «هرکه دارد ز خصلتی مایه اثر آن رسد به همسایه» از سوی دیگر، همنشینی با نیکان نقش مهمی در رشد معنوی انسان ایفا می کند. (سلیمی و دیگران، ۱۳۸۶/۴۲)

از آنجا که دوستان نقش قابل ملاحظه ای در گرایش و یا عدم میل افراد به کجروی های اجتماعی دارند آن حضرت نیز به ویژگی های دوست و همنشین مناسب می پردازد و معتقد است کسانی را که میل به شهوت و لذت دارند را عاملی در گرایش انسان به رذایل اخلاقی می داند، امری که موجب می شود افراد برای رسیدن به لذات و ارضای امیال نفسانی خود، هنجارهای اجتماعی را زیر پا بگذارند از این رو توصیه می کند از دوستی با آنان پرهیز کنند. از همنشینی با بدان پرهیز که بدی، بدی آورد؛ حضرت علی (ع) در پرهیز از آدمیان شرور و فاسد فرمودند:

«از مصاحبت با مردم شریر و فاسد پرهیز که طبیعت به طور ناآگاه، بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او می دزدد و تو از آن بی خبری».

یا حضرت در نامه خود به حارث همدانی توصیه فرمودند که:

«از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است برحذر باش. چه آدمی به رویه و روش رفیقش خو می گیرد و به افکار و اعمال وی معتاد می شود و در مقابل دوستان نیکو را عاملی در جلب کمال انسانی معرفی می کند؛ از این روی در

خطاب به اما حسن می فرمایند به نیکو کاران نزدیک شو که از آنان خواهی شد و از بدی دور شو تا از آنان برکنار باشی». (محمدی، ۱۳۷۵/۱۹)

امیرالمومنین به ویژگی های دوستان نیک و وظایف دوستان در قبال هم نیز اشاره می کند آن حضرت می فرماید «لایکون الصدیق صدیقا حتی یحفظ اخاه فی ثلاث فی نکتته و غیبته و وفاته» دوست واقعی کسی است که برادر خود را در سه حالت: گرفتاری، هنگام نبودن او و بعد از وفات، یاری رساند و همچنین بر مورد اعتماد و وفادار، صادق و راستگو، حلیم و بردبار و پوشاننده عیوب بودن اصرار و بر خائن و فتنه گر و ضایع کننده حقوق و ستم کار نبودن تاکید می ورزد در جایی دیگر به کمیل بن زیاد توصیه می کند که: ای کمیل از دو رویان دوری گزین و با خائنان همراه مشو و مبادا با ستم کاران رفت و آمد کنی و یا با آنان مخلوط گردی، مبادا آنان را فرمان بری یا در مجالسشان حضور یابی که خدا را بر تو خشمگین خواهد ساخت. این سخن به این معناست که در واقع از سر شفقت و دلسوزی از کج روی و عیوب دیگر افراد جامعه جلوگیری به عمل آورند یا به روش های مختلف اشتباهات را به آنان تذکر داده و حتی به تنبیه آنان اقدام نمود، چنانکه که امام چشم پوشی از اشتباهات و عیوب دیگران را نوعی خیانت دانسته است. از این رو می توان گفت که دوستی و محبت اجتماعی حساسیتی در قبال اعمال زشت و ناپهناجاری اجتماعی است که مظهر آن را در جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر تعبیر نمود. نهی از منکر فرایندی است که در آن افراد با رفتارهای ناهنجاری مقابله کرده و آنها را به سمت هنجارهای اجتماعی و دینی سوق می دهد. (طالبان، ۱۳۷۶/۵۷) امری که امروزه در غرب از آن به عنوان مشارکت مردمی در فرایند کیفی و در جوامع اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر یاد می کنند. این مشارکت مردمی راهبردی است که نقشی بی بدیل و متکامل در پیشگیری از کجروی در سطح جامعه بازی می کند و از آن می تواند به عنوان اهرم هایی برای یاری رساندن به نهادهای قضایی در مراحل کشف و تعقیب، رسیدگی و صدور حکم و اجرای مجازات ها بهره جست. رستمی، (۱۳۸۶/۱۴۲)

وظایف حاکم:

کنترل اجتماعی یکی از وظایف دولت مردان در طول تاریخ بوده است. امروزه کنترل اجتماعی را مجموعه کنش های اجتماعی سازمان یافته در برابر کجروی تعریف می کنند. (سلیمی، ۱۳۸۵/۴۴۹) اما حضرت امیر کنترل اجتماعی را در واقع یکی از ابزارهای می داند که دولت مردان برای ایجاد عدالت و تعادل در جامعه مورد توجه قرار می دهند. امروزه نابرابری های اجتماعی و تضاد طبقاتی از عوامل مهم در بروز کجروی های و درگیری های اجتماعی محسوب می شود. حضرت معتقد است که در جامعه طبقه اجتماعی وجود دارد و وظیفه حاکم عادل برای ایجاد عدالت اجتماعی، ایجاد هماهنگی و تعادل بین این طبقات است همان گونه که یک مربی در تیم تلاش می کند که بین اعضای تیم نظم و تعادلی ظریف برقرار سازد حاکم را ملزم می کند که مانع غلبه صنوف بر هم دیگر شوند.

نتیجه گیری:

حضرت علی (ع) از جمله متفکران جهان اسلام است که به جامعه و انسان توجه ویژه ای داشته است و بر لزوم زندگی اجتماعی و به تبع آن بر نظارت و کنترل اجتماعی پرداخته است و در خطابه هایی و فعالیت های سیاسی-اجتماعی که داشته است تلاش نموده است روش ایجاد جامعه ای سعادت مند را آموزش دهد. آنحضرت مبحث کنترل اجتماعی را در مفهوم عدالت توضیح می دهد و معتقد است که کنترل اجتماعی در واقع تلاشی است تا با مکانیسم های مختلف افراد جامعه را در مسیر اعتدال قرار دهند و معتقد است که جامعه ای که در مسیر عدالت باشد رو به ترقی و پیشرفت خواهد بود. امام برای انسان دو قوه عقل و شهوت در نظر گرفته است و کجروی های اجتماعی را گردن نهادن به تمایلات نفسانی دانسته و بر

نقش تعلیم و تربیت از آن منظر تاکید می کند که سبب می شود تا تمایلات نفسانی در زیر فرمان قوه عاقله قرار گیرند تا از این طریق از کجروی های اجتماعی جلوگیری نمایند.

حضرت علی در مسیر جامعه پذیری افراد به نقش خانواده بیش از نقش حاکمان توجه داشته است. او توجه به تقویت فضایل اخلاقی در برابر رذایل اخلاقی به منظور پرهیز از کجروی های اجتماعی تاکید داشته است. محبت اجتماعی را یکی از ابزار های مهم در جهت ایجاد اتحاد و همبستگی اجتماعی دانسته است و نقش دوستان، همسالان و همسایگان در کنترل و نظارت اجتماعی را چشمگیر ارزیابی نموده است. حضرت از مسائل اقتصادی و نقش آن در کجروی های اجتماعی برکنار نمانده است و به زعم او بهترین زینت برای مردان داشتن روزی گشاده است به ویژه گی های یک شغل مناسب پرداخته است و از فقر به عنوان عاملی در برهم زدن تعادل اجتماعی نام برده است و راهکارهایی را برای از بین بردن آن ارائه نموده است. امام علی به نقش حاکمان در ریشه کن کردن کجروی های اجتماعی اذعان نموده و حاکمان را موظف به اجرای قانون در جامعه نموده است و در نهایت به انواع مجازاتها اشاره می کند و بر تناسب جرم و مجازات تاکید می کند.

منابع

۱. پوریانی، محمد حسین سال دوازده، «کنترل اجتماعی در پیشگیری و حفاظت اجتماعی» فصلنامه بصیرت. شماره ۳۴ (۸۰-۹۳)
۲. حسین خانی نائینی، هادی، (۱۳۸۹) «معیار انتخاب همسر در اسلام، اسلام و پژوهش های تربیتی»، شماره ۲، ۲۱-۴۴.
۳. حسینی، سید محمد، (۱۳۸۳) «سیاست جنایی در اسلام و ایران». تهران: انتشارات سمت.
۴. حیدر کوشا، غلام (۱۳۸۹) «کنترل اجتماعی غیر رسمی. معرفت فرهنگی اجتماعی». شماره ۸۸-۶۸.
۵. رستمی، ولی (۱۳۸۶). «مشارکت مردم در فرایند کیفری». فصلنامه حقوق، شماره ۲، ۱۷۱-۱۳۹.
۶. رهنما اکبر (۱۳۷۱)، «خواستگاه، غایت و روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه طوسی». رساله دکتری. تربیت مدرس.
۷. سلیمی، علی و دیگران (۱۳۸۸) «همنشینی و کج روی اجتماعی». قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۸. سلیمی، علی و محمد داوری، (۱۳۸۵)، «جامعه شناسی کج روی». قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹)، (ترجمه و شرح نهج البلاغه) فیض الاسلام تهران، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام
۱۰. صالحی، جواد و الهام صادقی راد، (۱۳۸۰)، «آموزه های اسلامی در پیچه ای به سوی کنترل اجتماعی». ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۶۱، ص ۲۱-۱۰.
۱۱. طالبان، محمدرضا (۱۳۷۶). مطالعات تطبیقی امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. عطاران، محمد، (۱۳۶۳) روش تربیت کودکان، مقایسه خواجه و کانت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تربیت مدرس.
۱۳. علیزاده، علیرضا، (۱۳۸۴) «زمینه و ضرورت حقوق کیفری در جامعه»، حقوق، شماره ۶، ۱۱۱-۱۳۸.

۱۴. فولادی، حفیظ الله، (۱۳۸۶) «انحرافات اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) فصلنامه نهج، شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۱۸-۱۳۱.
۱۵. قربانزاده کلنگستانی، لیلا (۱۳۸۹) «تبیین بین شناخت و عمل در حوزه اخلاق از منظر اندیشمندان مسلمان، فیض کاشانی، مهدی نراقی». پایان نامه کارشناسی ارشد. تربیت مدرس.
۱۶. کامیاب زاده، امین (۱۳۸۰) «نسبت شناسی اهداف و روشهای تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام» پایان نامه، تربیت مدرس.
۱۷. کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۱) «همبستگی فناخت و آرامش روان از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه»، پژوهش نامه اخلاق، سال ۵، شماره ۱۷، ۴۴-۲۷.
۱۸. محسنی، رضا. (۱۳۸۷) «نقش جامعه پذیری کودکان و نقش آن در پیشگیری از بزهکاری و بزهکاری اجتماعی». فصلنامه خانواده، شماره ۳، ۱۳۸-۱۲۳.
۱۹. محمدی، اصغر (۱۳۷۹) «کار از دیدگاه امام علی (ع) صحیفه مبین»، شماره ۸، ۸۳-۱۰۴.
۲۰. محمدی، مهتری (۱۳۷۵) «بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه» پایان نامه، تربیت مدرس.
۲۱. مهدوی، محمود (۱۳۹۰) «پیشگیری از جرم». تهران: انتشارات سمت.
۲۲. وفادار، علی (۱۳۷۹) «عدالت از نظر حضرت علی (ع)» مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، ۳۰۶-۲۸۹.

Studying the Social Control Approach from the Perspective of Imam Ali

Javad Karkhaneh¹, Javad Mosivand²

1-Faculty Member of Malayer University of Quranic Sciences

2-Graduate Student of Quranic Sciences

Abstract

The only possible way to achieve perfection and activate talents inherent in human being is through living in human society. To make society safe and free of any irregularities, observing discipline and acceptance of the legal framework and institutionalizing the principles of social life for all members of society is essential. In this regard, the viewpoints of experts in the field and their related comments can make building a safe society possible. Recognition of the social thought of Imam Ali (AS) as the Imam of Shiites on the one hand and as a caliph of the Muslim community who has been in charge of governing the Muslim Society for several years on the other hand and with views on the concept of justice, the role of education, caring for enjoining the goodness and forbidding the evilness, emphasis on training Akhlaaq and relentless struggle against immoralities and the role of government and social institutions in creating a safe environment and eventually attempting an all-out economic issues, trying to build a social system consistent with the social principles. The current research attempts to explain the concept of social control from the viewpoint of Imam Ali (AS).

Keywords: Imam Ali; Social Control; Education; Social Monitoring; Justice
